



●

«شرق» فراز و نشیب‌های سریال‌ها و فیلم‌هایی را که با مضمون انتقام شخصی ساخته می‌شوند، بررسی می‌کند

بازگشت به قاب‌های فیلمفارسی

سینمای ما توان ساختن قهرمانان جذاب را ندارد

سینمای ما توان ساختن قهرمانان جذاب را ندارد

شرق: استیفای حق بدون توسل به قانون مضمونی است که از گذشته در فیلم‌ها و ادبیات ما ریشه دوانده و به مرور طی دوران شکل و شمایل متفاوت‌تری گرفته است. مضامینی که دستنامه‌ی ساخت فیلم توسط فیلم‌سازان نسل جوان هم شده و معمولا با اقبال خوبی از سمت مخاطب روبه‌رو می‌شود. سریال «پوست شیر» به کارگردانی جمشید محمودی ازجمله سریال‌هایی است که با مضمون جوانمردی و انتقام شخصی ساخته شد. سریالی که در مدت پخش بازخوردهای خوبی میان مخاطبانش داشت. عوامل سازنده این سریال تصمیم گرفتند که درباره چرایی نگاه به این مضمون و چگونگی ساخت این سریال صحبت نکنند.
بااین‌حال درباره چرایی جذابیت این مضمون با احمد طالبی‌نژاد منتقد پیش‌کسوت سینما صحبت کردیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

● **استیفای حق بدون توسل به قانون یکی از برطرف‌ترین مضامین در فیلم‌ها و سریال‌های ماست.** فکر می‌کنید دلیل اینکه مخاطب ایرانی به چنین مضامینی اقبال نشان می‌دهد چیست؟

قبل از اینکه در مورد نمونه‌های سینمایی یا سریال‌هایی که با این مضمون ساخته شدند صحبت کنیم، باید گفت چنین تفکری یعنی استیفای یا به دست آوردن حق توسط فرد یا افرادی خارج از مدار قانونی، ریشه در تاریخ حتی در اساطیر ما دارد. به این معنی که اغلب قهرمانان افسانه‌ای یا اساطیری ما مثل حسین کردبستی یا سمک عیار چنین کنشی انجام داده‌اند. پیش از انقلاب نیز محمدرضا اصلی کارگردان فریخته ما سریالی با این مضمون به نام «سمک عیار» ساخت که از تلویزیون پخش شد و سریال غیرمتعارفی بود و شاید بسیاری چیزی از آن سریال در یاد نداشته باشند. به هر حال این رفتار بخشی از فرهنگ عمومی و اخلاقی ماست و ریشه در افسانه، اساطیر و تاریخ ما دارد. پرداختن به این مضامین در فیلم‌ها و سریال‌های ما اساسا مسبوک به سابقه است. باید اضافه کنم که در سینمای دنیا هم با چنین مضامینی روبه‌رو هستیم. مردم جهان مشترکات ذهنی زیادی دارند. حتی در آمریکا که مهد انواع و اقسام فرهنگ‌هاست، همچنان با شخصیت‌هایی از این دست در آثارشان روبه‌رو می‌شوید. مثلا در ژانر وسترن و فیلم‌های همچون «ماجراجای نیمروز» و یا «صلات ظهر» ساخته فرد زینه‌مان چنین مضامینی آشکار است.

● **طبعاً پرداختن به چنین مضامینی در سینمای پیش از انقلاب گسترده‌گی بیشتری داشت.**

پرداختن به این مضمون اساسا در سینمای ما خیلی راحت نبوده و نیست. اینکه قهرمان‌هایی داشته باشیم که بتوانند مسیرهای قانونی را دور بزنند و به قول معروف مستقیم با مسائل روبه‌رو شوند. نمونه بارز و روشن ساخت فیلمی با چنین مضمونی، «قیصر» است. قصه جوانمرد یا ناموس‌پرست سنتی‌ای روایت می‌شود که وقتی از سفر برمی‌گردد، متوجه اتفاقاتی که در نبودش رخ داده می‌شود؛ سه برادر لات به خواهرش تجاوز کردند و دختر خودکشی کرده و برادر بزرگ، «فرمان» که برای مقابله با آن نامردها رفته، کشته شده است. قیصر احساس می‌کند خانواده‌اش در حال اضمحلال هستند و به تهایی دست به انتقام می‌زند. خاطرهم هست همان زمان

● **در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «قصه‌ای که قهرمان داشته باشد و قهرمانش هم نه رویتن‌تن بلکه در دسترس باشد، برای بیننده باورپذیر است.** فردی که ممکن است اشتباه یا گناه کند، خشمگین شود و در مجموع ویژگی‌های مثبت و منفی انسان را داشته باشد، قهرمان دلپذیری است، مخاطب به آن نزدیک می‌شود و او را دوست خواهد داشت. در واقع قهرمانی که در دسترس باشد، همیشه مخاطب از او استقبال بیشتری می‌کند. حتی ضد قهرمان یا یک بدمن که خوب در فیلم‌نامه پرداخت شده باشد نیز اقبال بیشتری میان مخاطبش پیدا می‌کند.»

● **کنیریان تأکید کرد: «در برخی از سریال‌ها و فیلم‌ها وقتی قهرمان قابل درک و قابل لمس‌ی را می‌بینیم، طبیعی است**

این فیلم هم می‌بینیم که قیصر به نوعی نماد آرزوهای فروخته مردم در آن مقطع بود. زمانی که فیلم ساخته شد اواسط دهه ۴۰ بود؛ دقیقا دورانی که به هر حال مدرنیسم به شکل لجام‌کسیخته‌ای وارد مملکت شده بود. این تضاد و تعارض باعث شده بود قیصر به عنوان یک قهرمان خودخواسته یا خودخوانده علیه ناسامانی‌ها قیام کند که نتیجه مثبتی هم به حال جامعه نداشت.

● **البته همین مضامین در سینمای موج نوی ما هم ادامه پیدا می‌کند.**

موج نو با سه فیلم «قیصر»، «آرامش در حضور دیگران» و «گاو» شروع شد و توسط داریوش مهرجویی، سهراب شهیدتالاث، پرویز کیمیایو و مسعود کیمیایی ادامه پیدا کرد. به این شکل مضمون قیام فردی و استیفای حقوق مطرح نبود. در نسخه بدل‌های قیصر مضامینی به این صورت می‌بینیم. مثلا فیلم «صادق‌کرده» کبی «قیصر» بود. در نا فیلم هم می‌بینیم یک قهوه‌چی کرد همسرش را در قهوه‌خانه تنها می‌گذارد و همسرش مورد تجاوز راننده‌های واقع می‌شود. وقتی صادق از شهر برمی‌گردد با این واقعیت روبه‌رو می‌شود و شروع به انتقام‌گرفتن می‌کند و راننده‌های کامیون را می‌کشد تا راننده‌ای را که به همسرش تجاوز کرده است، پیدا کند که در انتها دستگیر و تیرباران می‌شود. طبیعی است که نمی‌توانیم «صادق‌کرده» را فیلمی متعلق به جریان موج نو بدانیم. یا حتی شاپور غریب فیلمی به اسم «کاکو» ساخت که در آن کندهلات محل که تبعید بود، بعد از توبه‌کردن از تبعید برمی‌گردد و وقتی با مشکلاتی در خانواده و تهدیدهایی که از جانب رقبایش وجود دارد روبه‌رو می‌شود، تصمیم می‌گیرد شکایت کند. برادر کوچک‌تر خانواده به برادر بزرگ‌تر به چشم یک قهرمان نگاه می‌کند و دوست ندارد که برادر بزرگ‌تر از راه شکایت مشکلات را حل کند. از او می‌خواهد خودش برای انتقام اقدام کند. در نهایت یک‌تنه قیام می‌کند که آن هم باز یک قیام بی‌حاصل است. به هر حال باید توجه داشت که این نوع مضامین در سینما، ادبیات یا هر شکل روایت دیگری برای به هیجان درآوردن احساسات خام مخاطبان عادی و معمولی است. مخاطبان فریخته و با فرهنگ معمولا از این سبک قهرمان‌ها خوششان نمی‌آید؛ چراکه اینها عملا آدم‌هایی هستند که ریشه در لمپنیسم دارند. در واقع پایگاه فکری آنها چندان فرهنگی نیست. مقداری سنت و غیرت در کنار هم قرار می‌گیرند و تبدیل می‌شوند به دیگی جوشان که یک آن سر می‌رود، بدون اینکه به جای خاص و درستی برسد. بنابراین می‌توان گفت «قیصر» یا «صادق‌کرده» راهی به جایی نمی‌برند. واقعیت این است که در مورد فیلم‌های موج نو سویتفاهمی وجود دارد. همه فیلم‌های بعد از «قیصر» و «گاو» را نباید فیلم موج نوی محسوب کرد. حتی برخی از فیلم‌های مبتکران سینمای موج نو هم به این سینما تعلق ندارند. موج نوی یعنی فیلمی که موضوعش را خارج از مدار معمول و فرمول‌های رایج و تکراری بیان می‌کند که خب تعداد این فیلم‌ها آن‌قدر هم زیاد نیست. چیزی که بعد از «قیصر» راه افتاد، موج فیلم‌های جاهلی بود نه فیلم‌های موج نو.

● **به نظر شما چرا مخاطب حال حاضر همچنان از این مضامین استقبال می‌کند؟**
الان در قرن ۲۱ و عصر ارتباطات رسانه‌ای گسترده که سال‌هاست به دهکده جهانی معروف است زندگی می‌کنیم. واقعیت این است که ما جامعه‌ای هستیم پر از تناقض. از یک طرف سعی داریم خیلی مدرن زندگی کنیم، ولی تفکر مدرن یا مدرنیته در این مملت هنوز جا نیفتاده است؛ یعنی همچنان ما بین سنت و مدرنیسم معلق هستیم. درست مثل شخصیت «هامون» فیلم داریوش مهرجویی. این تفکر وجود دارد و نقطه بنیابینی این تفکر افرادی وجود دارند که قهرمان ضمنی مردم می‌شوند و نمی‌توان کارم کرد. مگر اینکه روزی روزگاری به جایی برسیم که مدرنیته در این مملکت به گسترده‌گی برسد؛ چراکه این قبیل قهرمان‌سازی‌هایی که به نظرم قهرمان‌های دروغینی هم هستند ریشه در خرافات دارد. ما هنوز در دنیای اساطیری زندگی می‌کنیم. البته این بد نیست، مشروط به اینکه مثل ژاپنی‌ها رفتار کنیم. ژاپنی‌ها فرهنگ، تاریخ و اساطیر هم دارند و با همه اینها مدرن‌ترین کشور جهان از نظر تفکر، صنعت و… هم هستند. اساسا اقله‌ای به اینکه سریال‌های پلترفم‌ها را دنبال کنیم ندارم. چون علاقه‌مند به دیدن سریال نیستم. در جریان قصه برخی سریال‌ها که در این مدت ساخته شده هستم و برخی قسمت‌های آنها را دیده‌ام، به نظرم چیزی که در بعضی از این سریال‌ها به چشم می‌خورد، همان رفتار موج فیلم‌های جاهلی است که به‌خصوص در نیمه اول دهه ۵۰ در سینمای ما رایج شد. همان بحث انتقام شخصی و ترویج لمپنیسم. احساس می‌کنم دیدگاه‌هایی که در این سریال‌ها به چشم می‌خورد خیلی برای این زمان نیست. یک‌جور یادآوری دوران سپری‌شده است. قصه ندارم بگویم این سریال‌ها با چنین مضامینی به کل مدنیت را نادیده می‌گیرند، ولی در مجموع مخالف پیشرفت‌های اجتماعی در سطح جهانی هستند. با اینکه همچنان در سینمای ژاپن فیلم‌هایی در مورد یاکوزا یا سامورایی‌ها می‌بینیم، اما مضامین ازلی و ابدی در آنها مطرح هست. چیزهایی که به ذات بشر برمی‌گردد. متأسفانه هیچ کدام از سریال‌های ما که به این مضامین می‌پردازند عمق و معنا ندارند که مخاطب احساس کند چقدر حرفش ازلی و ابدلی و تکان‌دهنده است. به نظرم این سریال‌ها اساسا نمی‌توانند با بدین امروزی پیوند درونی برقرار کنند. با این حال معتقد نیستم که سینما باید مثل روانپزشک حال مردم را بهبود ببخشد، بلکه باید فرهنگ درست ایجاد کند که راهگشای آینده ملت شود. در گذشته هم سریال‌هایی داشتیم که امروز کسی آنها را به یاد ندارد؛ اما در مقابل سریال «دلی‌جان ناپلئون» هم ساخته شد که درباره غیرت و ناموس‌پرستی حرف نمی‌زند، بلکه حرفش درباره تعصب کور است. در نهایت فکر می‌کنم عمده سریال‌هایی که با این مضامین در حال حاضر ساخته می‌شود عمق لازم را برای ماندگاری و ایجاد تحول در فرهنگ اخلاقی و اجتماعی ما ندارند.

● **در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «قصه‌ای که قهرمان داشته باشد و قهرمانش هم نه رویتن‌تن بلکه در دسترس باشد، برای بیننده باورپذیر است.** فردی که ممکن است اشتباه یا گناه کند، خشمگین شود و در مجموع ویژگی‌های مثبت و منفی انسان را داشته باشد، قهرمان دلپذیری است، مخاطب به آن نزدیک می‌شود و او را دوست خواهد داشت. در واقع قهرمانی که در دسترس باشد، همیشه مخاطب از او استقبال بیشتری می‌کند. حتی ضد قهرمان یا یک بدمن که خوب در فیلم‌نامه پرداخت شده باشد نیز اقبال بیشتری میان مخاطبش پیدا می‌کند.»

● **کنیریان تأکید کرد: «در برخی از سریال‌ها و فیلم‌ها وقتی قهرمان قابل درک و قابل لمس‌ی را می‌بینیم، طبیعی است**

● **در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «قصه‌ای که قهرمان داشته باشد و قهرمانش هم نه رویتن‌تن بلکه در دسترس باشد، برای بیننده باورپذیر است.** فردی که ممکن است اشتباه یا گناه کند، خشمگین شود و در مجموع ویژگی‌های مثبت و منفی انسان را داشته باشد، قهرمان دلپذیری است، مخاطب به آن نزدیک می‌شود و او را دوست خواهد داشت. در واقع قهرمانی که در دسترس باشد، همیشه مخاطب از او استقبال بیشتری می‌کند. حتی ضد قهرمان یا یک بدمن که خوب در فیلم‌نامه پرداخت شده باشد نیز اقبال بیشتری میان مخاطبش پیدا می‌کند.»

● **کنیریان تأکید کرد: «در برخی از سریال‌ها و فیلم‌ها وقتی قهرمان قابل درک و قابل لمس‌ی را می‌بینیم، طبیعی است**

او جمع شده است؛ اما در سال‌های اخیر این تغییر هم به وجود آمده که منطقی‌تر به قهرمانانی که در فیلم‌ها تصویر می‌کنیم، نگاه کنیم. قهرمانی که می‌تواند به آرمان‌هایش شک کند و امکان اشتباه از سمت او وجود دارد.»

کنیریان در پایان گفت: «وقتی در فیلم‌های ایرانی سراغ قهرمان می‌گردیم، معمولا در آثار مسعود کیمیایی این ویژگی را می‌بینیم. ویژگی قهرمان‌های آثار او در دوره‌های مختلف متفاوت است؛ اما رد قهرمان را در سینمای او می‌توان دیدنال کرد. ژانر‌های پلیسی و درام‌های اجتماعی بیشتر امکان پرداخت قهرمانانی را که دل مخاطب را به دست بیاورند، دارد یا حتی اگر بدمن فیلم به‌خوبی پرداخت شده است؛ اما به یقین یکی از گم‌شده‌های سینمای ما در این سال‌ها بحث قهرمان بوده است. در این شرایط هرچا قهرمان کمی درخور توجه ساخته شود، می‌بینیم که مردم هم از آن اثر استقبال می‌کنند.»

خبر برگزیده

تماشاخانه‌های تهران با نمایش‌های جدید میزبان مخاطبان هستند

ایران‌تلنتو: در آستانه ورود به ماه پایانی فصل بهار، تئاتر ایران شاهد رونق و اجراهای جدید است. خرداد ۲۰۲۰ ۱۴۰۲ بیش از ۶۰ اثر نمایشی در ۲۸ سالن برای مخاطبان و علاقه‌مندان تئاتر در رده‌های سنی خردسال، کودک، نوجوان و بزرگسال روی صحنه است.

در تالار اصلی تئاتر شهر نمایش «گره‌بتره و روباه مکار» به نویسندگی و کارگردانی اوشان محمودی اجرای خود را از هفتم خرداد ساعت ۱۹:۳۰ آغاز کرد.

در تالار چهارسو نمایش «خدای جهنم» به نویسندگی سام شیارد، ترجمه میلاد قطعی، کارگردانی سیاوش جامع از چهارم خرداد ساعت ۱۸:۱۵ پیش‌روی مخاطبان قرار گرفته است. نمایش کمدی «بی‌صورت فلکی»، اثر جدید تالار چهارسو است که به نویسندگی نیاز اسماعیلی‌پور و کارگردانی مریم باقری ساعت ۲۰:۱۵ روی صحنه می‌رود.

«نقطه ویزوگل» عنوان دیگر نمایش جدید تئاتر شهر است که از سوم خرداد ساعت ۱۸:۳۰ به نویسندگی دنیا سمن و امیر سفیری، کارگردانی امیر سفیری در تالار قشقایی این مجموعه اجرای خود را آغاز کرده است. در همین تالار نمایش جدید دیگری با نام «زوج ناجور» به نویسندگی نیل سایمون، کارگردانی محمدحسین پیوندی از دوم خرداد ساعت ۲۰ میزبان مخاطبان تئاتر شده است.

در تالار سایه نیز نمایش «قصه‌های درگوشی» به نویسندگی امیررضا کوهستانی، کارگردانی حسین حیدری‌پور از دوم خرداد ساعت ۱۸:۴۵ روی صحنه است. «پروانه و یوغ» نیز عنوان دیگر نمایش تالار سایه مجموعه تئاتر شهر است که به نویسندگی محمد چرمشیر، کارگردانی امیرمحمد شهنی‌دشت‌کلی از چهارم خرداد ساعت ۲۰:۳۰ میزبان علاقه‌مندان تئاتر است. در کارگاه نمایش نیز نمایش «مجلس شبیه لیر بیچاره» به نویسندگی حسین جمالی، کارگردانی ملیکا رضی از روز بیست‌ونهم اردیبهشت ساعت ۱۹ اجرای خود را آغاز کرده بود. همچنان تا ۱۲ خرداد به اجرای خود در این تالار ادامه می‌دهد. نمایش موزیکال «هفت خان اسفندیار» به تهیه‌کنندگی و کارگرانی حسین پارسایی از ششم اردیبهشت ساعت ۱۸ در تالار وحدت روی صحنه رفته است و تا پایان خرداد روی صحنه خواهد بود. نمایش «کنیزک و پادشاه» به نویسندگی و کارگردانی ریحانه جزانی که برداشتی آزاد از دفتر اول مثنوی معنوی مولاناست، از ۱۹ اردیبهشت تا ۹ خرداد ساعت ۱۷ در تماشاخانه سنگلج اجرا خواهد داشت.

«سیمرغ» به نویسندگی محمود مهدوی و کارگردانی اکبر صادقی با همراهی بازیگران اردبیلی از اول تا ۱۲ خرداد ساعت ۱۹:۳۰ در تماشاخانه سنگلج روی صحنه است. «عشق در بریی» به نویسندگی موبدالمالک قفری ارشاد و کارگردانی مرتضی فرهادنی نیز از ۱۶ خرداد تا ششم تیر در ادامه اجراهای بخش دانشجویی تماشاخانه سنگلج در این تماشاخانه روی صحنه می‌رود. «درگوشی» بر اساس داستان «مریبا شیرین» اثر هوشنگ مرادی‌کرمانی به نویسندگی و کارگردانی نرگس اصغری از ۲۵ اردیبهشت تا ۲۴ خرداد ساعت ۱۷:۳۰ میزبان مخاطبان تئاتر کودک و نوجوان خواهد بود. «سیندرلا» به نویسندگی دیوید وود و با ترجمه سیدحسین فدایی‌حسین و کارگردانی مریم کاظمی از ۲۰ اردیبهشت تا ۲۰ خرداد ساعت ۱۹:۳۰ روی صحنه خواهد بود. «باغ البالبه» به نویسندگی و کارگردانی محمد میرعلی‌اکبری از ۲۴ اردیبهشت تا ۱۲ خرداد ساعت ۱۸ میزبان مخاطبان خواهد بود. «اتول سورون طهران الف ۱» نوشته باقر سروش و کار شهروز دل‌افکار، از دوم خرداد ساعت ۱۸:۴۵ در سالن ناظرزاده‌کرمانی روی صحنه رفت.

«خوش‌دلان» به نویسندگی سعید پورصمیمی و کارگردانی پریزاد سیف، از دوم خرداد ساعت ۲۱ در سالن ناظرزاده‌کرمانی اجرا شد. «اینجا پنجره‌ای باز مانده است» به نویسندگی و کارگردانی مشترک ندا شاهرخی و یاسمن خواجeh، از دوم خرداد ساعت ۲۱:۳۰ در سالن استاد سمندریان اجراهای خود را آغاز کرده است. «۶۵۷» به نویسندگی و کارگردانی شهرام کیل‌آبادی از هفتم خرداد ساعت ۱۹ در سالن استاد سمندریان اجراهای خود را آغاز خواهد کرد. «صالحان» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی آران شیخ‌الاسلامی، از ۲۷ اردیبهشت ساعت ۱۹:۱۵ در سالن سه پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه رفته است. «گودال» به نویسندگی محمدرضا قاسمی، دراماتورژی آرزامهر ظفری‌پور و کارگردانی امیرحسین شاملی از ۲۷ اردیبهشت ساعت ۱۸ در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه رفته است.

نمایش کمدی «هوندا آبدیاس» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اشکان درویشی از اول خرداد در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه رفته است. این نمایش‌نامه را مهدی شاکویی بر اساس برداشتی آزاد از «آبدیاس ۲» به قلم مهدی ضیاجمنی نوشته است. بلیت‌فروشی نمایش ایرانی «میزراکشون» به نویسندگی فرهاد نقدعلی، کارگردانی علی فتحعلی و تهیه‌کنندگی مسعود و اولاد در سایت تیوال آغاز شد.

«میزراکشون» از چهارم خرداد تا نهم تیرماه در سالن دو پردیس تئاتر شهرزاد ساعت ۲۰ به صحنه می‌رود. «کافه عاشقی» به نویسندگی و کارگردانی سیدجلال‌الدین دری از ۲۷ اردیبهشت تا ۱۲ خرداد ساعت ۲۱ روی صحنه خواهد بود. «کابوس‌های آنکه نمی‌میرد» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی نادر فلاح و نویسندگی امیرحسین طاهری از بیست‌وهفتم فروردین اجرایش را در تالار مولوی آغاز کرده است و تا دوازدهم خرداد ساعت ۱۹:۳۰ روی صحنه خواهد بود. «سایوب» به نویسندگی و کارگردانی محمدامین سعیدی و تهیه‌کنندگی علیرضا حسن‌پور و محمدامین سعیدی از هفتم تا ۲۸ خرداد هر شب ساعت ۱۹:۳۰ اجرا می‌شود. «برف شادی» به نویسندگی و کارگردانی رضا حسین‌زاده هشتم تا ۲۰ خرداد هر شب ساعت ۱۸ اجرا می‌شود.

اجرای نمایش «رومئو و ژولیت» به کارگردانی سیما تیرانداز نیز تا ۱۲ خرداد ساعت ۲۰:۴۵ در عمارت نوفل‌لوشاتو ادامه خواهد داشت. «آرتیست» به نویسندگی و کارگردانی محمد قربانی، از ۲۷ اردیبهشت تا ۱۹ خرداد، ساعت ۱۹ در سالن شماره یک خانه نمایش روی صحنه خواهد بود. «به‌حکم شما» به نویسندگی فریدیناند فون‌شیراخ با ترجمه رحمان افشاری و کارگردانی نگار عزیزی از سوم تا ۲۲ خرداد ساعت ۲۱ در خانه نمایش دا روی صحنه خواهد بود. «نهنگ دو قسمت یک ندارد» به نویسندگی و کارگردانی شاهین رفیعی از ۳۱ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد ساعت ۱۷ روی صحنه است.

«فرار از اینجا» به نویسندگی و کارگردانی کیان پرتو از سوم تا ۱۳ خرداد ساعت ۲۱ در سالن شماره دو عمارت ارغوان میزبان مخاطبان است. «کودها» به نویسندگی موریس متزلیبگ با ترجمه نئین اکبری و کارگردانی علیرضا اختری از ۲۷ اردیبهشت تا ۱۲ خرداد ساعت ۲۱ در سالن شماره یک عمارت ارغوان میزبان مخاطبان است. «تهنایی» با طراحی و کارگردانی عرفان خالقی از ۲۱ اردیبهشت تا ۸ خرداد ساعت ۱۷ در سالن شماره دو عمارت ارغوان روی صحنه است.

«کلردیازپوکساید» به نویسندگی و کارگردانی حسین میلانی از ۲۴ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد ساعت ۱۹ میزبان مخاطبان در سالن شماره یک عمارت ارغوان است. «نئورت‌الیسم» با نویسندگی و کارگردانی سلمان سامنی و تهیه‌کنندگی مشترک هاتف کلاته و میثم اسداللهی از ۲۴ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد ساعت ۱۹ در سالن شماره یک عمارت ارغوان میزبان مخاطبان است.

نمایش کودک و نوجوان «کوزه غسل» به نویسندگی و کارگردانی سینا نورایی از ۱۱ تا ۳۰ خرداد ساعت ۱۷ در سالن شماره دو عمارت ارغوان روی صحنه است.

نمایش «خانواده آقای نریمان» به نویسندگی و کارگردانی احسان رحیم‌دل از ۲۱ اردیبهشت تا ۲۴ خرداد در سالن استاد داوود رشیدی مجموعه پردیس تئاتر تهران، ساعت ۱۹ روی صحنه خواهد بود.

«بی‌نویان» به نویسندگی و کارگردانی وحید منظری از ۲۷ اردیبهشت تا ۱۹ خرداد ساعت ۱۸:۳۰ در تماشاخانه انتظامی اجرا می‌شود. «گالمکس» به کارگردانی و نویسندگی محمدرضا حسن‌زاده از ۲۷ اردیبهشت تا ۱۹ خرداد ساعت ۲۰:۳۰ به تماشاخانه استاد انتظامی اجرا می‌شود. نمایش موزیکال «جنگ و صلح» به کارگردانی میثم یوسفی از ۱۴ اردیبهشت تا ۱۲ خرداد از ساعت ۲۰ در سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران روی صحنه می‌رود. نمایش «زنگوله سحرآمیز» به کارگردانی سپیده زینلی از ۱۲ اردیبهشت تا ۱۹ خرداد ساعت ۱۸:۳۰ در سالن گوشه فرهنگسرای نیاوران برای کودکان و نوجوانان روی صحنه است. نمایش شاه و موزیکال «بره نالقا» به نویسندگی و کارگردانی مجید علم‌بیگی از ۱۲ اردیبهشت تا ۱۳ خرداد، ساعت ۱۷، سه‌شنبه تا جمعه‌های هر هفته در سالن خزر فرهنگسرای نیاوران روی صحنه می‌رود.